



## بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی در مسئله وجود رابط معلول

سید محمد مهدی نبویان 

استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. نویسنده مسئول: smm.nabavian@yahoo.com

| اطلاعات مقاله                                        | چکیده                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تاریخ‌ها:<br>دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰<br>پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ | مساله وجود رابط، یکی از مسائل مهم فلسفه اسلامی است که از زمان ملاصدرا شیرازی محور بحث متفکران اسلامی قرار گرفته است. ملاصدرا با تعریف دقیق وجود رابط و نیز بیان ویژگی‌های وجود رابط معلول و نتایج پذیرش آنها، بانی جدید درباره حقیقت وجود معلول گشود؛ تا جایی که همه فیلسوفان پس از او، نسبت به نظریه وی اظهار نظر کردند. یکی از این فیلسوفان، علامه طباطبایی است که ویژگی‌های خاصی برای وجود رابط بر شمرده است. این مقاله با روش تحلیلی و رویکردی تطبیقی به تبیین نظریه ملاصدرا و علامه طباطبایی در مسئله وجود رابط معلول و بررسی تطبیقی میان آنها می‌پردازد و اشتراکات و تفاوت‌های این دو متفکر را بیان می‌کند و در پایان نظریه‌های ایشان ارزیابی می‌شود. این دو فیلسوف در عین ربط دانستن وجود معلول، عدم درک استقلالی وجود رابط معلول، فقدان ماهیت و پذیرش وحدت شخصی وجود از راه مسئله وجود رابط، دیدگاه مشترکی دارند و در یک حیثیت یا دو حیثیتی بودن وجود رابط معلول، اختلاف نوعی یا عدم اختلاف نوعی میان وجود مستقل و رابط، حقیقی بودن تقسیم وجود به مستقل و رابط، اشتراک لفظی یا معنوی بودن اطلاق وجود به رابط و مستقل و هم‌چنین در تعریف وجود رابط تفاوت دارند. در بخش پایانی مقاله این مطالب ارزیابی می‌شوند. |

استناد: نبویان، سید محمد مهدی (۱۴۰۵). بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی در مسئله وجود رابط معلول. *فلسفه تطبیقی*، ۳(۳)، ۷۱-۸۴.  
<https://doi.org/10.30487/cph.2026.2086769.1082>

© ۱۴۰۵ (۲۰۲۶) نویسندگان مقاله، نشریه فلسفه تطبیقی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت).



## A comparative study of Mulla Sadra's and Allama Tabataba'i's views on the existence of a causal link

Seyed Mohammad Mahdi Nabavian ✉ 

Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, University of Qom, Qom, Iran.

Corresponding author: [mmm.nabavian@yahoo.com](mailto:mmm.nabavian@yahoo.com)

### Article Info

#### History

Received: April 19, 2026

Accepted: September 01, 2026

#### Keywords

The existence of a link

Maaloul

Mulla Sadra

Allameh Tabataba'i

comparative study

### Abstract

The issue of the existence of a relationship is one of the important issues in Islamic philosophy, which has been the focus of discussion among Islamic scholars, especially since the time of Mulla Sadra Shirazi. Mulla Sadra, by precisely defining the existence of the relation and also stating the characteristics of the existence of the relation of the effect and the consequences of accepting them, opened a new chapter on the truth of the existence of the effect; to the extent that all philosophers after him commented on his view. One of these philosophers is Allameh Tabataba'i, who, like Mulla Sadra, has addressed this issue with particular care and has enumerated specific characteristics for the existence of the relation. This article uses an analytical method and a comparative approach to explain the views of Mulla Sadra and Allama Tabataba'i on the issue of the existence of a causal relationship and a comparative study between them, and explains the similarities and differences between these two thinkers, and finally evaluates their views. These two philosophers share the same view of the existence of the affected, but they do not understand the independence of the existence of the affected relation, the lack of essence, and the acceptance of the personal unity of existence through the problem of the existence of the relation. They also differ in whether the existence of the affected relation has one status or two statuses, the specific difference or lack of specific difference between independent and relational existence, the reality of the division of existence into independent and relational, the verbal or spiritual commonality of the application of existence to relational and independent, and also in the definition of relational existence. These issues will be evaluated in the final section of the article. Therefore, the main question of the following article is how to reconcile the views of Mulla Sadra and Allama Tabataba'i on the issue of the existence of a disabled link.

**Citation:** Nabavian, M. (2026). A comparative study of Mulla Sadra's and Allama Tabataba'i's views on the existence of a causal link, *Comparative Philosophy*, 3(3), 71-84.

<https://doi.org/10.30487/cph.2026.2086769.1082>

© 2026 Authors, Comparative Philosophy.

**Publisher:** Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT)

## مقدمه

مسئله وجود رابط یکی از مسائل مهم در فلسفه اسلامی است که پس از صدرالمتهلین شیرازی با تاکید بیشتری مورد بحث فیلسوفان قرار گرفت. ملاصدرا با دقت در معنای وجود رابط و بیان ویژگی‌های آن، نگاهی نو در فلسفه اسلامی ایجاد کرد که بر فیلسوفان پس از او تأثیر گذاشت. ملاصدرا هم در تعریف وجود رابط و هم در ویژگی‌ها و نتایج پذیرش وجود رابط در عالم هستی، به کنکاش فلسفی پرداخت و نظریه‌ای جدید در این باره بیان کرد. پس از او نیز فیلسوفان اسلامی به تبیین و بررسی نظریه صدرالمتهلین پرداختند. برخی از فلاسفه نیز برخی مباحث مربوط به وجود رابط نظریه ملاصدرا را نپذیرفته و خود نظریه جدیدی مطرح نمودند. علامه طباطبائی یکی از این فیلسوفان است که با بررسی نظریه صدرالمتهلین و پذیرش بخشی از این نظریه، در برخی مسائل مربوط به وجود رابط با ملاصدرا اختلاف نظر داشته و نظریه جدید ارائه کرده است.

این نوشتار با تبیین نظریه صدرالمتهلین و علامه طباطبائی درباره مسئله وجود رابط، به بررسی تطبیقی این دو نظریه پرداخته و اشتراکات و تفاوت‌های میان این دو فیلسوف درباره مسئله وجود رابط را بیان می‌کند. در ابتدا نظریه ملاصدرا و علامه طباطبائی درباره وجود رابط بیان می‌شود و سپس بررسی تطبیقی آنها انجام می‌گیرد.

## پیشینه مسئله

درباره مسئله وجود رابط از منظر صدرالمتهلین و علامه طباطبائی پژوهش‌هایی انجام گرفته است که از جمله آنها می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. کتاب «درآمدی به نظام حکمت صدرایی» از عبدالرسول عبودیت که وجود رابط از نظریه ملاصدرا را بررسی کرده است؛ ولی به تطبیق آن با نظریه علامه طباطبائی نپرداخته است.

۲. مقاله «وجود رابط از دیدگاه صدرالمتهلین و سایر فیلسوفان اسلامی» از حسین مسعودی در مجله حوزه سال ۱۳۷۸ شماره ۹۳ که به تبیین وجود رابط از منظر فیلسوفان اسلامی پرداخته است، اما تطبیق نظریه ملاصدرا و علامه طباطبائی در آن نیست.

۳. مقاله «وجود رابط معلول از دیدگاه صدرالمتهلین» از حسن محسنی و سیدباقر حسینی کریمی در مجله نسیم خرد سال ۱۴۰۲ شماره ۱۷ که به تحلیل وجود رابط از منظر ملاصدرا و نتایج آن می‌پردازد، ولی تطبیق نظریه ملاصدرا با علامه طباطبائی در آن نیامده است.

۴. مقاله «وجود رابط و وجود محمولی از نظر آقاعلی مدرس طهرانی و علامه طباطبائی» از عسگری سلیمانی امیری در مجله حکمت اسلامی سال ۱۳۹۵ شماره ۱۰ که به تبیین نظریه آقاعلی مدرس و علامه طباطبائی در مسئله وجود رابط پرداخته و اشتراکات و اختلافات آنها را بیان کرده است.

۵. مقاله «وجود رابط و مستقل از نظریه علامه طباطبائی، استاد مصباح یزدی و استاد جوادی آملی» از رسول آقائی و محمود دزفولی نسب در مجله نسیم خرد در سال ۱۴۰۱ شماره ۱۴ که به نظریه سه فیلسوف اسلامی پیرامون وجود رابط پرداخته است.

۶. مقاله «لوازم و نتایج وجودشناختی نظریه وجود رابط معلول ملاصدرا» از روح الله نادعلی و دیگران در مجله آیین حکمت سال ۱۳۹۷ شماره ۳۵ که به تبیین نظریه ملاصدرا در مسئله وجود رابط و بررسی برخی نتایج آن می‌پردازد، ولی میان نظریه ملاصدرا و علامه طباطبائی تطبیق نمی‌دهد.

مروری بر پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که هرچند هر کدام به یک جنبه از مسئله وجود رابط پرداخته است، اما نگاه تطبیقی میان نظریه ملاصدرا و علامه طباطبائی و بیان اشتراکات و اختلافات این دو فیلسوف، بحث جدیدی است که این مقاله به آن پرداخته است.

## وجود رابط از دیدگاه ملاصدرا

ملاصدرا به دلیل اهمیت مسئله وجود رابط، فصل مستقلی به تعریف وجود رابط و ویژگی‌های آن اختصاص داده است (ر.ک: صدرالمآلهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۷۸-۸۲). ایشان سه تعریف برای وجود رابط بیان کرده است:

### تعریف وجود رابط

ملاصدرا تقسیمات مختلفی را برای وجود، از حیث محمولی یا رابطی بودن مطرح می‌کند که در ذیل این تقسیمات به تعریف وجود رابط نیز اشاره می‌شود.

۱. در تقسیم اول، وجود محمولی وجودی است که استقلال در تعقل دارد و می‌توان آن را به تنهایی تصور کرد که به آن معنای اسمی نیز می‌گویند؛ اما وجود رابطی، وجودی است که نمی‌توان آن را مستقل تصور کرد، بلکه صرفاً به همراه و در کنار معنای اسمی تصورپذیر است که به آن معنای حرفی نیز می‌گویند (ر.ک: همان، ص ۸۲). درباره این تقسیم باید توجه داشت اولاً این تقسیم ناظر به مقام ذهن است نه خارج، یعنی ناظر به وجود ذهنی محمولی و رابطی است، نه وجود خارجی آنها (ر.ک: همان، ص ۷۹)؛ ثانیاً، اختلاف میان وجود محمولی و وجود رابطی، اختلاف نوعی و اشتراک آنها لفظی است (ر.ک: همان)؛ زیرا میان این دو، جامع مشترکی نبوده و معنای حرفی نمی‌تواند در معنای اسمی ظاهر گردد و معنای اسمی نیز نمی‌تواند در معنای حرفی ظهور پیدا کند.

۲. در تقسیم دیگر، وجود محمولی به «وجود فی نفسه لافیه» و وجود رابطی به «وجود فی نفسه لغیره» اطلاق می‌شود. مراد از فی نفسه بودن وجود، آن است که به صورت مستقل در ذهن تصور شود؛ ولی لافیه بودن وجود به معنای آن است که در خارج، نعت و وصف غیر نیست که از دیدگاه صدرالمآلهین این وجود، منحصر در خداوند است؛ ولی وجود رابطی، وجودی است که گرچه در ذهن، مفهوم مستقل دارد، در خارج، نعت و وصف موجود دیگر است (ر.ک: همان، ص ۸۰). به اعتقاد ملاصدرا وجود رابطی در اصطلاح دوم (وجود فی نفسه لغیره) در مقابل وجود محمولی در اصطلاح اول (وجود فی نفسه) نیست، بلکه یکی از اقسام آن است و با آن منافاتی ندارد؛ اما وجود رابطی در اصطلاح اول (معنای حرفی) با وجود محمولی در اصطلاح اول (معنای اسمی) اختلاف نوعی دارد و اشتراکشان صرفاً لفظی است (ر.ک: همان، ص ۸۱).

تفاوت وجود رابطی در اصطلاح اول (معنای حرفی) با وجود رابطی در اصطلاح دوم (وجود فی نفسه لغیره) در این است که رابطی بودن در اصطلاح اول، به لحاظ مفهوم است؛ یعنی مفهوم مستقلی ندارد؛ برخلاف اصطلاح دوم که از جهت مفهوم، مستقل است و به لحاظ وجود خارجی، عین وابستگی و تعلق است (ر.ک: همان، ص ۸۲). از این رو ملاصدرا برای جلوگیری از اشتباه میان این دو اصطلاح، وجود رابطی در اصطلاح اول (معنای حرفی) را «وجود رابط» و اصطلاح دوم (وجود فی نفسه لغیره) را «وجود رابطی» می‌نامد. رابطی نامیدن آن شاید به این دلیل است که لفظ «رابطی» با یای نسبت، هم به فی نفسه بودن آن و هم به لغیره بودن آن اشاره دارد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، جزء اول، ص ۳۰۴). همچنین معنای اول از وجود مستقل را «وجود محمولی» و معنای دوم را «وجود فی نفسه» می‌نامد (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۸۲).

۳. از جهت سوم که صرفاً ناظر به وجود خارجی است، وجود به «رابط» و «مستقل» تقسیم می‌گردد. وجود رابط، وجودی است عین ربط و تعلق به غیر که فاقد ذات و حیثیت فی نفسه است؛ اما وجود مستقل وجودی است که هیچ‌گونه وابستگی و تعلق به غیر ندارد که در این تقسیم، صرفاً وجود خداوند مستقل است و بقیه موجودات، رابط و عین تعلق به او هستند.

بر این اساس، از منظر ملاصدرا اصطلاح رابط به دو قسم اطلاق می‌گردد: ۱. مفهوم حرفی وجود که در تقسیم اول ذکر شد و مراد از آن، مفهومی است که نمی‌توان آن را به صورت مستقل تصور کرد. چنین اصطلاحی ناظر به خارج

نیست، بلکه مربوط به ذهن است و به رابط در قضایا اطلاق می‌گردد؛ ۲. وجود رابط که ناظر به جهان خارج است و به برخی از موجودات عینی اطلاق می‌شود. به اعتقاد ملاصدرا وجود معلول از این قسم است؛ در نتیجه وجود رابط معلول فقط از این جهت مانند وجود رابط حرفی است که نمی‌توان آن را مستقل تصور کرد.

## ویژگی‌های وجود رابط معلول

ملاصدرا برای وجود رابط معلول ویژگی‌هایی بیان کرده‌است که عبارتند از:

۱. وجود رابط معلول، حیثیت فی نفسه ندارد؛ یعنی نمی‌تواند مفهوم مستقلی داشته‌باشد و تمام هویتش همان حیثیت «لغیره» است. به عبارت دیگر، چون تمام هویت او ربط و تعلق محض است، هیچ حیثیت نفسی ندارد تا بتوان آن را به نحو مستقل تصور کرد (ر.ک: صدرالمآلهین، ۱۳۶۳، ص ۵۳).

۲. با توجه به اینکه معلول، حیثیت فی نفسه ندارد، واقعیتی در کنار سایر واقعیات عالم نیست؛ یعنی در مقام شمارش واقعیات عالم، نمی‌توان آن را واقعیت دیگری در کنار واقعیات عالم و وجود ثانی برشمرد (ر.ک: همو، ۱۹۸۱ م، ج ۳، ص ۳۱۴)؛ برخلاف وجود رابطی مانند وجود اعراض که واجد دو حیثیت فی نفسه و حیثیت لغیره بوده، وجودی غیر از وجود معروض خویش دارند و در نتیجه واقعیتی از واقعیات عالم شمرده می‌شود (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۰۵).

براساس این، صدرالمآلهین در تحلیل وجود رابط معلول، از فلاسفه قبل فاصله گرفته و دیدگاه دیگری مطرح کرده‌است؛ یعنی برخلاف فلاسفه متقدم که وجود معلول را مانند اعراض، دارای حیثیت فی نفسه لغیره می‌دانستند، ملاصدرا منکر حیثیت فی نفسه برای معلول شده و برای آن صرفاً حیثیت لغیره را اثبات کرده‌است. فلاسفه گذشته چون قائل به اصالت وجود نبودند، برای ماهیت معلول، حیثیت فی نفسه و برای وجود آن، حیثیت لغیره در نظر می‌گرفتند (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۸۱)؛ اما ملاصدرا با طرح اصالت وجود و نیز بساطت وجود در خارج، وجود معلول را صرفاً واجد یک حیثیت (حیثیت لغیره) دانسته و منکر حیثیت فی نفسه برای معلول شده‌است. ازاین‌رو وجود معلول را رابط دانسته‌است، نه رابطی (ر.ک: همان، ص ۳۳۰).

۳. از سوی دیگر، چون وجود معلول، عین ربط به علت است و حیثیتی جز ربط و تعلق به علت ندارد، وجودی دیگر در مقابل علت به حساب نمی‌آید، بلکه صرفاً شأن و اثری از علت است؛ بدین معنا که معلول ربط یک وجود است - وجود علت - نه خود وجود؛ اثر یک وجود است، نه خود وجود (ر.ک: همو، ۱۳۵۴، ص ۳۱).

۴. معلول، هیچ هویتی از خود ندارد و محکوم به هیچ حکمی واقع نمی‌شود، بنابراین اطلاق «وجود» نیز بر آن صحیح نیست (ر.ک: همو، ۱۹۸۱ م، ج ۲، ص ۳۰۵).

۵. معلول، ذاتی ندارد و صرفاً عین ربط به علت و شأنی از آن است، نمی‌توان آن را به صورت مستقل درک کرد؛ بلکه ادراک حصولی و حضوری معلول، در واقع همان درک علت است. البته روشن است که درک معلول به معنای درک علت «بما هی علت» (یعنی علت در مقام ذات) نیست، بلکه درک علت در مرتبه معلول است و به تعبیر دیگر، وجود رابط معلول به منزله مرتبه‌ای که واقعیت علت در آن مشهود است، یافت می‌شود (ر.ک: همو، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۴؛ همو، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۱۱۶، ۱۱۷؛ همو، ۱۳۶۳، ص ۵۳).

۶. منظور ملاصدرا از نفی وجود معلولات، هیچ و پوچ بودن آنها نیست؛ بلکه وی معلولات را شئون و ظهور خداوند دانسته و تكثر آنها را می‌پذیرد؛ اما تكثر در ظهورات، نه تكثر در وجودات. بنابراین گرچه یک وجود واحد داریم، این وجود دارای شئون و ظهورات متكثر و مختلفی است که به معنای تجلی علت در مراتب و شئون مختلف است (ر.ک: همو، ۱۹۸۱ م، ج ۲، ص ۳۰۰).

ملاصدرا از این حقیقت ربطی معلول، به شأن، ظل، رشحه، فیض، طور، حیثیت، اسم، نعت (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۰۰)، تابع، مظهر، تجلی (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۱۷)، نحو (ر.ک: همان، ج ۴، ص ۲۷۶)، ظهور (ر.ک: همان، ج

۲، ص ۲۸۳، مرتبه (ر.ک: همان، ج ۶، ص ۲۷۷)، تطور (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۲۴۸)، تحیت (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۲۴۵)، اشعه (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۹)، ظل (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۲۳۷)، ضوء (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۱)، لمعه و سطح (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۲۹۸) تعبیر می‌کند.

۷. چون معلول هیچ شأنی از خود ندارد و واقعیتی در کنار واقعیت علت نیست و صرفاً شأن آن است، ملاصدرا بساط علیت و معلولیت را برمی‌چیند و علیت را به تشأن و تحیت ارجاع می‌دهد؛ زیرا علیت و معلولیت، فرع بر تغایر دو وجود یعنی علت و معلول است. از این رو در نظر او یک وجود واحد شخصی، یعنی علت داریم و بقیه شئون و حیثیات اویند (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۰۰، ۳۰۱). بنابراین یکی از ادله ملاصدرا بر وحدت شخصی وجود، رابط بودن معلول است. ایشان با رابط دانستن معلول، به این نتیجه رسید که در عالم هستی، یک وجود واحد شخصی موجود است و دیگر اشیا، رابط، شئون و مظاهر آن هستند (ر.ک: همو، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۳ و ۶۴؛ همو، ۱۳۶۰، ص ۴۹ و ۵۰؛ همو، ۱۹۸۱، م ج ۲، ص ۲۹۲، ۲۹۹ و ۳۰۰).

### وجود رابط از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی نیز همچون ملاصدرا به صورت مفصل به تعریف وجود رابط و ویژگی‌های آن اشاره کرده‌است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

#### تعریف وجود رابط

وجود از نظر علامه به «فی نفسه» و «فی غیره» تقسیم می‌شود. «وجود فی نفسه»، وجودی است که معنا و مفهوم مستقل دارد و مصداق مفهوم اسمی و مستقل قرار می‌گیرد؛ این وجود به گونه‌ای است که وقتی عقل از آن مفهوم می‌سازد، این مفهوم وابسته به چیز دیگری نبوده و مستقل است؛ اعم از آنکه وجود خارجی این مفهوم نیز مستقل باشد، مانند جواهر، یا وجود وابسته‌ای داشته‌باشد، مانند اعراض؛ زیرا هم جواهر و هم اعراض مصداق مفهوم اسمی هستند و به اصطلاح وجود محمولی دارند. اما «وجود فی غیره» وجودی است که معنا و مفهوم مستقل ندارد و نمی‌تواند مصداق مفهوم مستقل قرار گیرد، بلکه عین ربط به موجود دیگر است. چنین وجودی حقیقت ربطی دارد و تمام هویتش ارتباط به موجود دیگر است. در واقع هیچ گونه نفیسیت و حیثیت استقلالی ندارد و همه حقیقت آن ربط و عین وابستگی است. این وجود، همان «وجود رابط» است (ر.ک: طباطبایی، بی تا [ب]، ص ۴۰؛ همو، بی تا [د]، ص ۲۸؛ صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، م ج ۲، ص ۹۳، تعلیقه علامه طباطبایی؛ طباطبایی، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۲، ۲۳).

علامه طباطبایی وجود رابط و فی غیره را در سه مورد به کار می‌برد: وجود رابط در قضایا، وجود رابط معلول و وجود رابط و نسبتی که میان مقولات نسبی وجود دارد. در نظر ایشان، وجود رابط در این سه مورد به یک معنا به کار رفته و از یک سنخ است. ایشان در موارد متعددی وجود رابط در قضایا و وجود رابط معلول را در کنار هم بیان می‌کند (ر.ک: طباطبایی، بی تا، ص ۴۰، ۴۱؛ همو، بی تا [د]، ص ۲۸-۳۱؛ صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، م ج ۱، ص ۳۲۷، طباطبایی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸-۲۹). همچنین در مواردی درباره مقولات سبع، اصطلاح رابط را به کار برده و آن را در کنار رابط در قضایا قرار داده و همان معنا را اراده کرده‌است (ر.ک: همو، بی تا [د]، ص ۳۱، ۱۲۶).

علامه بر این نکته تأکید می‌کند که مفهوم از آن جهت که مفهوم است، شأنی جز حکایت از محکی خود ندارد بنابراین هر حکمی که برای آن ثابت شود، حکم محکی آن است، نه خود آن. مفهوم از نظر ربط و استقلال مبهم بوده، تابع محکی خود است. بنابراین تقسیم وجود به فی نفسه و فی غیره، به لحاظ وجود خارجی است نه مفهوم؛ و اگر در تعریف «وجود فی نفسه» گفته می‌شود که وجودی است دارای معنای اسمی و مستقل، بدین معناست که آن مفهوم از محکی مستقل حکایت می‌کند نه اینکه خود مفهوم، مستقل باشد. همچنین تعریف «وجود فی غیره» به وجودی که دارای

معنای ربطی و غیر مستقل است، بدین معناست که آن مفهوم و معنا از محکی غیر مستقل و ربطی حکایت می‌کند (ر.ک: همو، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۷؛ همو، بی تا [ب]، ص ۴۱).

### ویژگی‌های وجود رابط معلول

وجود رابط معلول از منظر علامه طباطبائی ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از:

۱. وجود رابط، وجود فی غیره بوده و فاقد جنبه فی نفسه است. حقیقت وجود رابط، عین ربط و وابستگی است و هیچ‌گونه استقلالی ندارد؛ به عبارت دیگر، هیچ‌گونه ذات و نفسیتی ندارد. از این رو وجود رابط، واقعیتی در کنار واقعیت علت ندارد، بلکه همه هویت او ربط و وابستگی به علت است. در نتیجه وجود رابط نمی‌تواند مصداق معنای اسمی و مستقل واقع گردد، بلکه فقط مصداق معنای حرفی و ربطی است (ر.ک: همو، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۴، ۲۶، ۲۸؛ صدرالمآلهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۳۲۷، تعلیقه علامه طباطبائی).

۲. وجود رابط فاقد ذات و جنبه فی نفسه است و نمی‌تواند مفهوم مستقلی داشته باشد، فاقد ماهیت نیز می‌باشد؛ زیرا ماهیت، چیزی است که در جواب به «ما هو؟» می‌آید، و چیزی که در جواب ماهو می‌آید نیز باید دارای ذات باشد و بتوان آن را به نحو مستقل تصور کرد، درحالی که وجود رابط به سبب آنکه فاقد ذات است و نمی‌توان آن را به نحو مستقل تصور کرد، ماهیت نیز نخواهد داشت (ر.ک: طباطبائی، بی تا [د]، ص ۳۰؛ همو، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۴، ۲۶، ۲۷؛ همو، بی تا [ب]، ص ۴۰).

۳. وجود رابط به دلیل ماهیت نداشتن، هیچ حکمی ندارد و نمی‌تواند موضوع یا محمول هیچ قضیه‌ای واقع شود؛ زیرا اساساً وجود رابط نفسیتی ندارد تا حکمی بگیرد (ر.ک: همو، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۴، ۲۶؛ همو، بی تا [الف]، ص ۲۷. صدرالمآلهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۳۲۷، تعلیقه علامه طباطبائی). بنابراین احکام ایجابی که در ظاهر به وجود رابط نسبت داده می‌شود، در واقع حکم علت و وجود مستقل است (ر.ک: طباطبائی، بی تا [د]، ص ۱۷۶).

وقتی گفته می‌شود «وجود رابط حکم نمی‌پذیرد»، در واقع حکمی است که برای آن اثبات شده است؛ یعنی برای وجود رابط، مانند وجود مستقل می‌توان احکامی را ثابت کرد. علامه در پاسخ اشاره می‌کند که احکامی که به وجود رابط نسبت داده می‌شود، احکامی سلبی است که به نحو سالبه محصله است نه موجهه معدوله، از این رو نیازمند وجود موضوع نیست. به عبارت دیگر، چنین احکامی صرفاً سلب حکم از وجود رابط است، نه اثبات حکمی به صورت سالبه برای آن (ر.ک: همو، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۴).

۴. وجود رابط، ذات و نفسیت و نیز هیچ حکمی ندارد، نمی‌توان آن را ثانی علت دانست و وجود مستقلی برای آن در نظر گرفت، بلکه تمام هویت آن عین ربط به علت است. در حقیقت، وجود رابط خارج از وجود علت و منفصل از آن نیست، اما این عدم انفصال به معنای آن نیست که وجود رابط عین وجود مستقل یا جزئی از آن است؛ بلکه بدین معناست که معلول به جای آنکه واقعیتهای مغایر با واقعیت علت باشد، شأنی از آن واقعیت علت است (ر.ک: صدرالمآلهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۳۲۷، تعلیقه علامه طباطبائی؛ طباطبائی، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۷).

۵. همه هویت وجود رابط، عین ربط و وابستگی به علت است، از خود «ذاتی» ندارد، نه اینکه دارای ذاتی باشد مرتبط با علت یا محتاج، قائم و فقیر به علت، بلکه ذات آن همان ربط به علت و احتیاج و فقر و وابستگی به آن است (همو، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۱۹۴)؛

۶. وجود رابط، مستقل از علت و نیز عین علت یا جزئی از آن نیست، بلکه وجود رابط، شأنی از شئون علت و آیه‌ای از آیات وجود علت است. در واقع یک ذات مستقل، موجود است که همان ذات علت است و بقیه امور، روابط و شئون و آیات او هستند؛ به گونه‌ای که وجودش صرفاً اشاره به وجود مستقل است و همه هویتش نشانه علت است (ر.ک:

همان، ص ۱۹۴-۱۹۵). بر این اساس، هیچ موجودی جز وجود علت، مستقل نیست و بقیه شئون آن و آیات آن هستند و اگر آن شئون به صورت مستقل لحاظ شود، آن استقلال، صرفاً از علت است؛ بدین معنا که اگر در وجود معلول، نفسیت و استقلال دیده شود، در حقیقت نفسیت و استقلال علت است؛ یعنی وجود علت در مرتبه معلول ظهور یافته است. به عبارت دیگر، نباید گمان کرد که وجود رابط همان وجود علت در مرتبه ذاتش است؛ بلکه وجود رابط، شأن علت و در اصطلاح، وجود علت در مرتبه خاص آن رابط است. بر این اساس، می‌توان وجود معلول را همان وجود علت دانست که در این مرتبه خاص متجلی شده است (ر.ک: همان، ص ۱۹۴).

بنابراین، علامه طباطبایی نیز همچون ملاصدرا، رابط بودن معلول را یکی از ادله وحدت شخصی وجود قرار داده و به این نتیجه رسیده که در عالم هستی، یک وجود واحد شخصی موجود است و دیگر اشیا، رابط، شئون و مظاهر آن هستند (ر.ک: همان، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ج ۱۳، ص ۱۹۴ و ۱۹۵؛ همو، بی تا [الف]، ص ۵۸).

۷. با توجه به اینکه وجود رابط فاقد نفسیت و صرفاً ربط به علت و عین قوام به مستقل است، درک این وجود نیز جز در پرتو درک وجود مستقل و علت آن میسر نخواهد بود. به عبارت دیگر، با عنایت به اینکه حقیقت وجود رابط همان وجود مستقل در مرتبه خاصی است، درک وجود رابط -حضور یا حصولی- نیز به معنای درک وجود مستقل در مرتبه خاص آن رابط است؛ زیرا درک متقوم بدون مقوم آن محال است. بر این اساس، احکامی که برای معالیل صادر می‌شود، احکام علت در مرتبه معالیل خواهد بود و چون همه معالیل فعل خداوند هستند، می‌توان گفت که هر حکمی که به معلول منتسب است، حکم وجود مستقل علت است، اما نه در مقام ذات، بلکه در مقام فعل و مرتبه خاص معلول. بنابراین درک وجود رابط، همان درک وجود مستقل علت در مقام فعل و مرتبه و شأن خاص آن معلول است (ر.ک: همو، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۱۹۴، ۱۹۵، ج ۱۷، ص ۴۰۵؛ صدرالمألهین، ۱۹۸۱، م، ج ۳، ص ۳۱۳، تعلیقه علامه طباطبایی).

۸. مطابق بیان علامه، همه معالیل، وجودات رابط بوده، ویژگی‌های آن را دارند، از جمله اینکه فاقد ذات و حیثیت فی نفسه و در نتیجه فاقد ماهیت و حکم هستند؛ اما از طرفی ایشان موجودات را به «فی نفسه» و «فی غیره» تقسیم می‌کند. فی نفسه را شامل دو قسم «لنفسه» و «لغیره» می‌داند و لنفسه را نیز به «بنفسه» و «بغیره» تقسیم می‌کند. سپس وجود جواهری مانند «عقل و ماده» را در قسم وجودات «فی نفسه لنفسه بغیره» و وجود «اعراض و صور حاله» را در قسم وجودات «فی نفسه لغیره بغیره» قرار می‌دهد (ر.ک: طباطبایی، بی تا [د]، ص ۲۸-۳۲؛ همو، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۷).

اما آیا این تقسیم که در آن برای جواهر و اعراض، حیثیت «فی نفسه» در نظر گرفته شده است، با «فی غیره بودن» همه مخلوقات، منافات ندارد؟ آیا میان این دو مطلب تعارض و تناقضی است؟ علامه خود متوجه این مسئله بوده و بدان پاسخ گفته است. از نظر ایشان آن تقسیم که در آن، جوهر و عرض قسمی از وجود فی نفسه لحاظ شده‌اند، به لحاظ ذات مخلوقات و مقایسه آنها با یکدیگر، است که برخی از آنها وابسته و ربط و برخی نیز مستقل هستند؛ اما همه مخلوقات، اعم از جواهر و اعراض، به لحاظ مقایسه آنها با خداوند، فی غیره و رابط‌اند. در حقیقت وجود معلول، دو حیثیت دارد: حیثیت فی نفسه و حیثیت فی غیره. به بیان سوم، وجود معلول، هم می‌تواند مصداق مفهوم مستقل و هم مصداق مفهوم حرفی قرار گیرد، اما نه از یک جهت، بلکه از جهت آنکه آن را با وجود علت مقایسه می‌کنیم، مصداق مفهوم حرفی و رابط است و از جهت ذات و در مقایسه با دیگر مخلوقات، مصداق مفهوم مستقل و اسمی است (ر.ک: همو، بی تا [د]، ص ۳۰، ۳۱؛ همو، بی تا [ب]، ص ۴۱).

۹. وجود رابط و مستقل اختلاف نوعی ندارند و می‌توان وجود رابط را به نحو مستقل نیز تعقل کرد و مقصود از عدم اختلاف نوعی وجود رابط و مستقل، آن است که وجود رابط که مصداق مفهومی حرفی است، می‌تواند به نحو حقیقی مصداق مفهوم مستقل نیز قرار گیرد؛ زیرا اگرچه وجود خارجی معلول، واحد است، ولی دارای دو حیثیت حقیقی (حیثیت ربطی و حیثیت استقلالی) است، از این رو، وجود خارجی معلول هم مصداق مفهوم حرفی است و هم مصداق مفهوم اسمی و مستقل، اما نه از یک جهت و حیثیت، بلکه از جهت مقایسه با خداوند، رابط و مصداق مفهوم حرفی است

و از جهت ذات و در مقایسه با دیگر مخلوقات، دارای حیثیت استقلالی و مصداق مفهوم اسمی و مستقل است (ر.ک: طباطبایی، بی تا [ب]، ص ۴۱؛ همو، بی تا [د]، ص ۳۰).

علامه حیثیت ربط و استقلال را، برای معلول، «خارجی» می داند نه ذهنی و مفهومی. بنابراین نباید گمان کرد که مرحوم علامه این دو حیثیت را برای معلول، ذهنی دانسته، به نحوی که حیثیت استقلال و ربط صرفاً دو مفهوم بوده که از وجود معلول انتزاع می شوند؛ زیرا همان طور که قبلاً بیان شد «مفهوم بما هو مفهوم» مبهم بوده و هیچ حکمی ندارد، بلکه در استقلال و عدم استقلال تابع وجودی است که از آن انتزاع می شود. بنابراین تا وجود خارجی متحیث به استقلال یا ربط نگردد، نمی تواند مصداق برای مفهوم مستقل یا رابط قرار گیرد. در نتیجه وجود معلول، اگرچه در خارج واحد است، منشأ انتزاع برای هر دو مفهوم اسمی و حرفی قرار می گیرد. مطابق این بیان، دو حیثیت استقلال و ربط، اولاً و بالذات وصف وجود خارجی معلول و ثانیاً و بالعرض وصف مفهوم هستند (ر.ک: همو، بی تا [د]، ص ۳۰، همو، بی تا [ج]، ص ۲۷). از این رو، وجود معلول در خارج دارای دو حیثیت استقلالی و ربطی است.

علامه طباطبایی، این دو حیثیت را برای وجود خارجی معلول، «حقیقی» می داند، نه اعتباری؛ از این رو، نباید چنین پنداشت که مفهوم رابط حاکی از «وجود حقیقی معلول» و مفهوم مستقل حاکی از «وجود اعتباری معلول» است، (به نحوی که حقیقت وجود معلول، رابط بوده و هیچ گونه حیثیت استقلالی نداشته و لذا وجود معلول، مصداق حقیقی برای مفهوم رابط و حرفی است، و این عقل است که در مرحله بعد، آن وجود رابط را مستقل فرض کرده و برای آن، یک وجود اعتباری مستقل می سازد و سپس از آن وجود اعتباری، مفهومی مستقل و اسمی انتزاع می کند و در این حالت است که وجود معلول، مصداق اعتباری برای مفهوم اسمی قرار می گیرد، نه مصداق حقیقی آن)؛ در حالی که مرحوم علامه هر دو حیثیت را حقیقی می داند، نه آنکه یک حیثیت را حقیقی و حیثیت دیگر را اعتباری بداند؛ لذا از نظر ایشان، وجود معلول، مصداق حقیقی برای هر دو مفهوم اسمی و حرفی است، به نحوی که وجود معلول از جهت مقایسه با خداوند، مصداق حقیقی برای مفهوم رابط و از جهت ذات و در مقایسه با دیگر مخلوقات، مصداق حقیقی برای مفهوم مستقل است (ر.ک: همو، بی تا [ج]، ج ۱، ص ۲۷).

### بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی

پس از آشنایی با نظریه ملاصدرا و علامه طباطبایی، در ادامه این دو نظریه از نظر تطبیقی بررسی می شوند. ابتدا اشتراکات و قرابت های این دو نظریه سپس تفاوت این دو نظریه بیان می گردد و در پایان، نظریه دو متفکر را در قالب پنج نکته ارزیابی می شود.

#### اشتراکات و قرابت های نظریه ملاصدرا و علامه طباطبایی

ملاصدرا و علامه طباطبایی در مسئله وجود رابط اشتراکاتی دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. هر دو فیلسوف وجود معلول را رابط می دانند نه مستقل. از نظر ایشان، حقیقت وجود رابط، عین ربط و وابستگی است و هیچ گونه استقلالی ندارد؛ از این رو وجود رابط، واقعیتی در کنار واقعیت علت ندارد، بلکه همه هویت او ربط و وابستگی به علت است.

۲. بر اساس نظر هر دو فیلسوف، با توجه به آنکه وجود رابط معلول، عین ربط و وابستگی به علت است، از خود «ذاتی» ندارد، نه اینکه دارای ذاتی باشد مرتبط با علت یا محتاج، قائم و فقیر به علت، بلکه ذات آن همان ربط به علت و احتیاج و فقر و وابستگی به آن است.

۳. وجود رابط معلول، مستقل از علت نیست، بلکه شأنی از شئون علت و آیات وجود علت است. در واقع یک ذات مستقل، موجود است که همان ذات علت است و بقیه امور، روابط و شئون و آیات او هستند؛ به گونه ای که وجودشان صرفاً اشاره به وجود مستقل است.

۴. چون وجود رابط معلول، صرفاً عین ربط به علت و شأنی از آن است، درک آن جز در پرتو درک وجود مستقل و علت آن میسر نخواهد بود؛ بلکه ادراک حصولی و حضوری معلول، در واقع همان ادراک علت در مرتبه معلول است (نه ادراک علت در مرتبه خود علت)؛ لذا از نظر ایشان، در هنگام ادراک وجود رابط معلول، در واقع، مرتبه خاصی که واقعیت علت در آن مشهود است، ادراک می‌شود.

۵. بر اساس نظریه هردو فیلسوف، وجود رابط، ماهیت ندارد. علامه طباطبایی به صراحت به این نکته اشاره کرده‌است و ایشان وجود رابط را به دلیل آنکه فاقد ذات و جنبه فی نفسه دانسته به نحوی که نمی‌تواند مفهوم مستقلی داشته‌باشد، فاقد ماهیت می‌داند، چراکه ماهیت، چیزی است که در جواب به «ما هو» می‌آید و چیزی که در جواب ماهو می‌آید نیز باید دارای ذات باشد و بتوان آن را به نحو مستقل تصور کرد. ملاصدرا نیز هرچند به صراحت به این مطلب اشاره نکرده، از ویژگی‌هایی که برای وجود رابط برشمرده، می‌توان ماهیت نداشتن وجود رابط را برداشت کرد، به خصوص ویژگی اول آنجا که وجود رابط معلول را فاقد حیثیت فی نفسه می‌داند و معتقد است وجود رابط، مفهوم مستقل ندارد. همچنین آنجا که ادراک مستقل وجود رابط معلول را انکار می‌کند. از محتوای این دو ویژگی می‌توان برداشت که ملاصدرا وجود رابط را فاقد ماهیت می‌داند؛ چراکه چیزی دارای ماهیت است که دارای حیثیت فی نفسه باشد و به توان آن را به صورت مستقل ادراک کرد.

۶. هر دو فیلسوف با رابط دانستن معلول، به نظریه وحدت شخصی وجود رسیده‌اند و معتقدند در عالم هستی، یک وجود واحد شخصی موجود است و دیگر اشیا، رابط، شئون و مظاهر آن هستند.

#### تفاوت‌ها و تمایزهای نظریه ملاصدرا و علامه طباطبایی

علی‌رغم قرابت نظریه ملاصدرا و علامه طباطبایی در مسئله وجود رابط معلول، تمایزهایی نیز میان این دو فیلسوف وجود دارد که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱. از نظر ملاصدرا وجود رابط معلول، صرفاً دارای یک حیثیت، یعنی حیثیت لغیره است و هیچ حیثیت دیگری غیر از لغیره بودن و ربط به علت ندارد؛ اما از نظر علامه طباطبایی، وجود معلول، واجد دو حیثیت است که در یک حیثیت، یعنی زمانی که آن را با علتش مقایسه می‌کنیم، رابط است و در حیثیت دیگر، یعنی از حیث ذات و مقایسه با معالیل دیگر، دارای حیثیت استقلالی است.

۲. ملاصدرا به اختلاف نوعی، میان وجود مستقل و رابط قائل است و علامه طباطبایی اختلاف نوعی را نپذیرفته است. از نظر ملاصدرا وجود رابط معلول را نمی‌توان به نحو مستقل و اسمی ادراک کرد و لذا وجود رابط در هیچ حالتی نمی‌تواند مصداق مفهوم مستقل قرار گیرد؛ اما از نظر علامه طباطبایی، وجود رابط چون متحیث به دو حیثیت ربطی و استقلالی است، هم می‌تواند مصداق مفهوم حرفی و ربطی و هم مصداق مفهوم مستقل و اسمی قرار گیرد.

۳. با توجه به دو تفاوت گذشته، تقسیم وجود به مستقل و رابط، از نظر ملاصدرا یک تقسیم حقیقی نیست؛ زیرا «قسم شدن رابط» برای وجود، به معنای آن است که رابط، مصداق مفهوم اسمی و مستقل قرار گیرد؛ در حالی که از نظر ملاصدرا وجود رابط با مستقل اختلاف نوعی دارد و در هیچ حالتی نمی‌تواند مصداق مفهوم اسمی قرار گیرد. علاوه بر آن، لازمه هر تقسیمی مابین اقسام با یکدیگر است؛ در حالی که رابط، امری مباین با وجود مستقل نیست، بلکه عین ربط به آن و شأن آن است (ر.ک: صدر المتألهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۷۸، ۷۹). اما علامه طباطبایی وجود رابط را قسیم وجود مستقل و یکی از اقسام «وجود» قرار داده‌است؛ از این رو، تقسیم وجود به مستقل و رابط از منظر وی، تقسیمی حقیقی است (ر.ک: طباطبایی، بی تا [د]، ص ۲۸، صدر المتألهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۳۲۷، تعلیقه علامه طباطبایی).

۴. به نظر ملاصدرا اطلاق «وجود» به رابط و مستقل، اشتراک لفظی است نه معنوی؛ زیرا لازمه اختلاف نوعی میان وجود رابط و مستقل آن است که میان آن دو، جامع مشترکی نبوده و معنای حرفی نمی‌تواند در معنای اسمی ظاهر شود و

معنای اسمی نیز نمی تواند در معنای حرفی ظهور پیدا کند؛ لذا اشتراک میان آنها لفظی خواهد بود نه معنوی (ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۷۸، ۷۹)؛ در حالی که علامه طباطبایی وجود را به رابط و مستقل تقسیم کرده است و می دانیم هر مقسم به یک معنا بر اقسامش حمل می شود و این بدین معناست که اشتراک وجود نسبت به رابط و مستقل، اشتراک معنوی است (ر.ک: طباطبایی، بی تا [د]، ص ۲۸؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۳۲۷).

۵. تفاوت دیگر ملاصدرا و علامه طباطبایی در تعریف وجود رابط است. ملاصدرا سه تعریف برای وجود رابط ارائه کرد و این سه تعریف را سه اصطلاح برای وجود رابط قرار داد. در یک اصطلاح، وجود رابط، وجودی است که نمی توان آن را مستقل تصور کرد، بلکه صرفاً به همراه و در کنار معنای اسمی تصورپذیر است. در اصطلاح دوم، وجود رابط، وجودی است که گرچه در ذهن، مفهوم مستقل دارد، در خارج، وصف موجود دیگر است و در اصطلاح سوم، وجود رابط، وجودی است عین ربط و تعلق به غیر که فاقد ذات و حیثیت فی نفسه است. اما از ظاهر عبارات علامه طباطبایی چنین استنباط می شود که وی یک تعریف برای وجود رابط ارائه کرده است. از نظر ایشان، وجود رابط یا فی غیره، وجودی است که معنا و مفهوم مستقل ندارد و نمی تواند مصداق مفهوم مستقل قرار گیرد، بلکه عین ربط و وابستگی به موجود دیگر است. البته از نظر علامه، هر چند وجود رابط یک تعریف دارد، اما دارای سه کاربرد است و در سه مورد بکار می رود: ۱) وجود رابط در قضایا؛ ۲) وجود رابط معلول؛ ۳) وجود رابط و نسبتی که میان مقولات نسبی وجود دارد.

#### ارزیابی نظریه ملاصدرا و علامه طباطبایی

ارزیابی نظریه ملاصدرا و علامه طباطبایی را در قالب چند نکته پی می گیریم:

۱. همان طور که در بخش اشتراکات بیان شد، ملاصدرا و علامه طباطبایی با رابط دانستن معلول، به نظریه وحدت شخصی وجود رسیده اند و معتقداند در عالم هستی، یک وجود واحد شخصی موجود است و دیگر اشیا، رابط، شئون و مظاهر آن هستند؛ در حالی که استدلال ایشان (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۳ و ۶۴؛ همو، ۱۳۶۰، ص ۴۹ و ۵۰؛ همو، ۱۹۸۱ م، ج ۲، ص ۲۹۲، ۲۹۹ و ۳۰۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ج ۱۳، ص ۱۹۴ و ۱۹۵) صرفاً عین ارتباط بودن معلول با علت را اثبات می کند، نه وحدت شخصی وجود را. توضیح آنکه وجود رابط می تواند دو معنا داشته باشد: اول، وجود رابط به معنای «وجود فی غیره»، یعنی وجودی که معنا و حقیقت غیرمستقل دارد و همان نسبت حرفی است؛ و دوم، وجود رابط به معنای «ارتباط و انتساب یک موجود به غیر» که معنایی اسمی است؛ زیرا ارتباط داشتن یک شیء با شیء دیگر از مقوله اضافه است؛ بدین نحو که وقتی میان یک موجود (معلول) با موجود دیگری (علت) ارتباط باشد، برای هر کدام از آن دو موجود، وصفی حاصل می شود که به عین هر کدام از آنها موجود است؛ یعنی «مرتبط بودن» موجود اول (معلول) عین وجود آن و «مرتبط آلیه بودن» موجود دوم (علت) نیز عین وجود آن است. این وصف همان ارتباط است که معنایی اسمی و اضافی به شمار می آید. معنای دوم را «ارتباط» می نامیم.

استدلال رابط بودن معلول و وحدت شخصی، صرفاً معنای دوم از رابط را ثابت می کند؛ یعنی ثابت می کند وجود معلول عین ارتباط با علت است؛ به نحوی که هیچ حیثیتی در وجود آن نیست که مرتبط با علت نباشد، ولی رابط به معنای اول را اثبات نمی کند؛ زیرا عین ارتباط بودن وجود معلول به آن معنا نیست که معلول، رابط بوده و وجود دیگری نداشته باشد، بلکه معلول در عین آنکه ممکن است رابط نباشد و وجود دوم باشد، عین ارتباط با علت است. بنابراین، معلول وجودی غیر از علت دارد، ولی عین ارتباط با علت است. این ارتباط، مفهومی اسمی و اضافی است که به عین وجود هر کدام از دو طرف - یعنی علت و معلول - موجود است. در نتیجه، برهان ایشان فقط ارتباط معلول با علت را، به نحوی که ارتباط عین وجود آن است، اثبات می کند، نه وحدت شخصی وجود را، به نحوی که فقط یک وجود حقیقی (خداوند) باشد و مابقی شئون و اطوار او باشند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نبویان، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۶؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۲۵۰-۲۵۴).

۲. همان طور که در بخش اشتراکات بیان شد، ملاصدرا و علامه طباطبایی، وجود معلول را رابط می دانند نه مستقل؛ در حالی که معلول می تواند یکی از این سه قسم باشد: ۱. وجود «فی نفسه لنفسه»؛ مانند وجود عقول که چون معلول هستند، عین ارتباط با علت اند؛ ۲. وجود «فی نفسه لغيره»، مانند وجود صورت نوعیه و اعراض که به واسطه خلق موصوفشان، معلول خداوند هستند و ۳. وجود «فی غیره یا رابط»، مانند رابطه بین کتاب و میز که چون کتاب و میز معلول خداوند هستند، رابطه میان آنها - یعنی نسبت میان آنها که وجود فی غیره است نیز معلول خداوند است. روشن است هر سه قسم معلول، چون معلول اند، «عین ارتباط با علت» هستند؛ نه آنکه هر سه رابط باشند، بلکه فقط قسم سوم، «وجود رابط و فی غیره» است. بنابراین، مدعای بیان شده مبنی بر اینکه همه معالیل وجود رابط اند و موجود مستقل منحصر در خداوند است، درست نیست.

۳. ملاصدرا به اختلاف نوعی میان وجود مستقل و رابط قائل است و علامه طباطبایی اختلاف نوعی را نپذیرفته است. به نظر می رسد در این قسمت، حق با علامه طباطبایی است و وجود رابط همان طور که می تواند مفهومی نامستقل داشته باشد، آنجا که به وسیله مفهوم «رابط به، از، در» از وجود رابط حکایت می شود، همچنین می تواند مفهومی مستقل نیز داشته باشد - آنجا که به وسیله مفهوم «نسبت یا وجود رابط یا وجود فی غیره یا معنای حرفی» که مفاهیمی اسمی و مستقل هستند، از وجود رابط حکایت می شود؛ از این رو، همان طور که مفهوم حرفی، حاکی از وجود رابط است، مفهوم اسمی نیز می تواند حاکی از وجود رابط باشد.

بنابراین حکایت مفاهیم اسمی از وجود رابط، حکایتی اعتباری است، نه حقیقی؛ یعنی ذهن ابتدا وجود رابط را لحاظ استقلالی نماید و سپس به وسیله مفهوم اسمی از آن حکایت کند؛ که در این صورت، مفهوم اسمی از وجود مستقل اعتباری که ذهن برای وجود رابط اعتبار کرده است، حکایت می کند، نه از وجود رابط. اما این گمان باطل است؛ زیرا میان «فهم استقلالی از وجود رابط» - که محل بحث ماست - و «اعتبار استقلال برای وجود رابط و اخذ مفهوم مستقل از آن» فرق است و مدعای ما آن است که می توان به وسیله مفهوم اسمی و مستقل از همان حقیقت وجود رابط «بما هو رابط» حکایت کرد، نه آنکه ذهن ابتدا وجود رابط را مستقل اعتبار کند و سپس به وسیله مفاهیم مستقل از آنها حکایت کند؛ چرا که چنین چیزی اصلاً محل اختلاف نیست، بلکه در واقع، حکایت مفهوم اسمی از واقعیت اعتباری مستقل است، نه از وجود رابط بما هو رابط. بنابراین، وجود رابط و مستقل، اختلاف نوعی ندارند و در این بخش نظریه علامه طباطبایی درست است. البته علامه طباطبایی معتقد است مفهوم مستقل صرفاً از یک حیثیت وجود معلول (حیثیت استقلالی) حکایت می کند، ولی ما معتقدیم مفهوم مستقل نظیر مفهوم نسبت، از تمام حقیقت وجود رابط حکایت می کند، نه صرفاً از یک حیثیت آن.

۴. بر اساس نظریه هر دو فیلسوف، وجود رابط، ماهیت ندارد؛ در حالی که با توجه به اینکه مفهوم مستقل می تواند از وجود رابط حکایت کند، وجود رابط نیز مانند وجود مستقل دارای «ماهیت» خواهد بود؛ هر چند ماهیتش، ماهیتی ربطی است. افزون بر آن، به نظر می رسد لازمه سخن کسانی که وجود رابط را دارای ماهیت نمی دانند، آن است که در عالم هیچ ماهیتی تحقق نداشته و بساط ماهیت برچیده شود؛ زیرا از نظر این فیلسوفان، موجود مستقل منحصر در خداوند است که ماهیت ندارد و وجود رابط نیز که شامل همه مخلوقات می شود، دارای ماهیت نیست، در حالی که از مطالب بیان شده معلوم شد این نکته درست نیست.

۵. بر اساس نظریه هر دو فیلسوف، چون وجود رابط، ماهیت ندارد و تمام هویتش عین ربط است، هیچ حکمی ندارد و محکوم به هیچ حکمی واقع نمی شود؛ در حالی که با توجه به آنکه وجود رابط، ماهیت دارد و مفهوم مستقل می تواند از وجود رابط حکایت کند، وجود رابط نیز همچون وجود مستقل دارای حکم بوده و می تواند موضوع یا محمول قضایا قرار گیرد.

## نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی تطبیقی وجود رابط معلول از نظریه ملاصدرای شیرازی و علامه طباطبایی پرداخت و اشتراکات و تفاوت‌های این دو فیلسوف در مسئله وجود رابط معلول تبیین شد. سپس نظریه ایشان ارزیابی گردید.

اشتراکات ملاصدرا و علامه طباطبایی در این مسئله در شش محور است: ۱) وجود معلول، رابط است نه مستقل (۲) وجود رابط معلول، عین ربط و وابستگی به علت است و از خود «ذاتی» ندارد (۳) وجود رابط معلول، شأنی از شئون علت و آیه‌ای از آیات آن است (۴) درک وجود رابط معلول جز در پرتو درک وجود مستقل و علت آن میسر نیست (۵) وجود رابط، ماهیت ندارد (۶) نظریه وجود رابط معلول منجر به نظریه وحدت شخصی وجود است.

تفاوت‌های دو متفکر در این مسئله در ۵ محور است: ۱) ملاصدرا وجود رابط معلول را صرفاً دارای یک حیثیت ربطی می‌داند، ولی علامه طباطبایی آن را واجد دو حیثیت ربطی و استقلالی می‌داند (۲) ملاصدرا به اختلاف نوعی میان وجود مستقل و رابط قائل است ولی علامه طباطبایی اختلاف نوعی را نپذیرفته است (۳) تقسیم وجود به مستقل و رابط، از نظر ملاصدرا تقسیمی حقیقی نیست، ولی از نظر علامه تقسیم حقیقی است (۴) ملاصدرا اطلاق «وجود» به رابط و مستقل را اشتراک لفظی می‌داند، ولی علامه آن را اشتراک معنوی می‌داند (۵) ملاصدرا سه تعریف برای وجود رابط ارائه کرد، ولی علامه برای وجود رابط، یک تعریف ارائه کرده است.

ارزیابی نظریه ایشان نیز در پنج محور انجام شد: ۱) نظریه وجود رابط معلول منجر به نظریه وحدت شخصی وجود نمی‌شود؛ ۲) وجود معلول معلول می‌تواند یکی از این سه قسم وجود فی نفسه، وجود فی نفسه لغیره و وجود فی غیره و رابط باشد (۳) وجود رابط و مستقل، اختلاف نوعی ندارند (۴) وجود رابط همانند وجود مستقل دارای ماهیت است (۵) وجود رابط همانند وجود مستقل دارای حکم بوده و می‌تواند موضوع یا محمول قضایا قرار گیرد.

## منابع

- صدر المتألهین (۱۳۵۴) المبدأ و المعاد. تصحیح سید جلال الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- صدر المتألهین (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. بیروت: دار احیاء التراث.
- صدر المتألهین (۱۳۶۰ش). الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة. تصحیح و تعلیق: سید جلال الدین آشتیانی. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- صدر المتألهین. المشاعر (۱۳۶۳). به اهتمام هانری کرین. تهران: کتابخانه طهوری.
- صدر المتألهین (۱۳۶۶ش). تفسیر القرآن الکریم. تحقیق: محمد خواجه‌جوی. قم: انتشارات بیدار.
- طباطبایی، محمد حسین. الرسائل التوحیدیة. بیروت: موسسه النعمان، بی تا [الف].
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
- طباطبایی، محمد حسین. بدایة الحکمة. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین بقم، بی تا [ب].
- طباطبایی، محمد حسین. حاشیة الکفاية. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، بی تا [ج].
- طباطبایی، محمد حسین. نهایة الحکمة. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین بقم، بی تا [د].
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰). شرح الاسفار الاربعة. تحقیق و نگارش: محمد تقی سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی.
- نبویان، سید محمد مهدی (۱۳۹۹). جستارهایی در فلسفه اسلامی: مشتمل بر آراء اختصاصی آیت‌الله فیاضی (ج ۱)، ویراست دوم، قم: انتشارات حکمت اسلامی.
- نبویان، سید محمد مهدی (۱۳۹۶). وحدت وجود از دیدگاه سه حکیم (صدر المتألهین شیرازی، علامه طباطبایی و حکیم آقا علی مدرس). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

